



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال پنجم / شماره نوزدهم / بهار ۱۴۰۳



doi: 10.22034/icrs.2024.460911.1272

تأسیس کرسی زبان عربی سر توماس آدامز در دانشگاه کمبریج؛

زمینه‌ها، موانع و دستاوردها

رضا ادبی فیروزجانی^۱

(۹۰-۱۱۵)

چکیده

کرسی زبان عربی در سال ۱۶۳۲ میلادی در دانشگاه کمبریج به اهتمام آبراهام ویلاک و توماس آدامز تأسیس شد که آغازگر مطالعه دانشگاهی زبان عربی در انگلستان محسوب می‌شود. سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که کرسی زبان عربی دانشگاه کمبریج چرا و چگونه شکل گرفت و چه دستاوردهایی به همراه داشت؟ داده‌های این پژوهش از طریق روش‌های کتابخانه‌ای گردآوری شده و با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی مورد پردازش قرار گرفته است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این کرسی در بستر زمینه‌های تاریخی موجود و شرایط نوپدید سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی و محرک‌های موجود در آن دوره شکل گرفت. عوامل متعددی از جمله انگیزه‌های دینی و همبستگی یادگیری این زبان با تفسیر کتاب مقدس، تحولات فرهنگی و علمی، نیاز به مطالعات شرقی برای مقاصد اقتصادی و ارتباطات گسترده‌تر با دنیای اسلام زمینه تأسیس این کرسی بودند. کرسی زبان عربی سر توماس آدامز کمبریج برای پویایی خود با موانع متعددی نیز روبرو شد. این موانع ناشی از شرایط حاکم بر فضای علمی انگلستان و وضعیت خاص دانشگاه کمبریج بود. برای مثال، نبود منابع معتبر و کافی، کمبود استادان متخصص و مقاومت‌های فرهنگی از جمله چالش‌های پیش‌روی این کرسی بود. با این همه، این نهاد علمی در بند موانع موجود باقی نماند و دستاوردهای قابل توجهی برای مطالعه دانشگاهی زبان عربی در انگلستان به همراه داشت.

واژه‌های کلیدی: زبان عربی، شرق‌شناسی، انگلیس، دانشگاه کمبریج، کرسی زبان عربی سر توماس آدامز.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

reza.adabi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹ نوع مقاله: ترویجی

Establishment of the Sir Thomas Adams's Professor of Arabic at the University of Cambridge: Backgrounds, Obstacles, and Achievements

Reza Adabi Firozjaee¹

Abstract

The Sir Thomas Adams's Professorship of Arabic was established in 1632 at the University of Cambridge through the efforts of Abraham Wheelock and Thomas Adams, marking the beginning of academic Arabic language studies in England. The main question of this paper is: Why and how was the Sir Thomas Adams's Professorship of Arabic at Cambridge University established, and what were its achievements? The data for this research was collected through library methods and processed using a descriptive-analytical approach. This study shows that the establishment of this chair was influenced by the existing historical context, new developments in the 16th and 17th centuries, and the motivations of that era. Various factors, including religious motivations and the connection between learning this language and the interpretation of the Bible, cultural and scientific developments, the need for Oriental studies for economic purposes, and broader interactions with the Islamic world, contributed to the founding of this Professorship. The Professorship of Arabic at Cambridge faced numerous challenges for its development. These obstacles were due to the prevailing academic environment in England and the specific circumstances of Cambridge University. For example, the lack of reliable and sufficient resources, shortage of specialized professors, and cultural resistance were among the challenges facing the chair. Nevertheless, this academic institution did not remain hindered by these challenges and brought significant achievements to the academic study of Arabic in England.

Keywords: Arabic language, Orientalism, England, University of Cambridge, Sir Thomas Adams's professorship of Arabic.

1. PhD student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. reza.adabi@ut.ac.ir

مقدمه

ایده تأسیس کرسی زبان‌های شرقی در دانشگاه‌های اروپایی که ۱۳۱۲ م. در شورای وین به تصویب رسید، یکی از مهم‌ترین ابتکارات غربی‌ها در تعامل با شرق و فرهنگ و تمدن آن به شمار می‌رود که نقطه آغاز شرق‌شناسی مدرن نیز محسوب می‌شود. زبان عربی یکی از زبان‌های توصیه شده در مصوبه بود. بنابر مصوبه شورای مذکور، در انگلستان دانشگاه آکسفورد به‌عنوان متولی اجرای این مصوبه تعیین شد. با این حال، اجرای برنامه در سده هفدهم به تأخیر افتاد و به جای آکسفورد، دانشگاه کمبریج بود که کرسی زبان عربی را راه‌اندازی کرد. در اینجا سؤالاتی مطرح می‌شود: چرا کرسی زبان عربی در دانشگاه کمبریج شکل گرفت؟ این کرسی با چه فرایندی در دانشگاه مذکور راه‌اندازی شد؟ دستاورد تأسیس کرسی زبان عربی دانشگاه کمبریج چه بود؟

اگرچه این موضوع بازتاب چندانی در پژوهش‌های ایرانی نیافته است و اندک اشارات موجود عموماً در متون درسی یافت می‌شود؛ غریبان به آن توجه نشان داده‌اند. آبربی در کتاب مختصری که در واقع متن یکی از سخنرانی‌هایش بوده، تاریخی مختصر از سرنوشت کرسی زبان عربی در کمبریج را به تصویر می‌کشد (Arberry, 1948). تومر در کتاب خود با مرکزیت دادن به انگلستان سده هفدهم می‌کوشد بر اساس آثار، اسناد و مکتوبات دست‌اندرکاران مطالعات عربی تصویر روشنی از مطالعه و یادگیری زبان عربی در این دوره ارائه کند (Toomer, 2017). باسورث در خلال روایتش از تأثیر و تأثر میان مطالعه اسلام و تحولات تاریخی و فکری بریتانیا، نکات سودمندی را درباره مطالعه زبان عربی و کرسی مربوطه در دانشگاه کمبریج یادآور می‌شود (Bosworth, 1997). مردخای فینگولد با بررسی فعالیت‌های علمی در حوزه زبان عربی در این دوره، مطالعه و یادگیری خارج از فضای دانشگاهی انگلستان در سده هفدهم را همچنان پررونق ارزیابی می‌کند (Feingold, 2017).

شورای وین و ایده مطالعه دانشگاهی زبان عربی

سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی با ناکامی غرب در جنگ‌های صلیبی، مسلمان شدن مغول‌ها و از میان رفتن امید به مسیحی کردن آن‌ها مصادف شد. در همان زمان، گزارش فرستادگان پاپ به دربار مغولان، و پس‌از آن روایت بازرگانانی مانند مارکوپولو، که بین سال‌های ۱۲۷۱ تا ۱۲۹۵ م. ادعا می‌کرد

که تا چین سفر کرده است، به اروپایی‌ها فهماند که جهان بسیار بزرگ‌تر و متنوع‌تر از آن چیز است که تا به حال تصور می‌کردند و برخلاف تصور، مسیحی‌شدن جهان کاری بسیار دشوار خواهد بود (Lockman, 2010: 39). چنین شرایطی سبب شد گروهی از مسیحیان تحصیل کرده‌ی وابسته به کلیسا ضرورت بازنگری در مواجهه با اسلام را دریابند. از جمله ایشان راجر بیکن^۱ بود که استدلال می‌کرد کلیسا باید تلاشی صبورانه و مداوم را برای تغییر دین مسلمانان دنبال کند (Moran, 1999: 69; Power, 2012).

عده‌ای برای دستیابی به این هدف، از کلیسا انتظار داشتند مطالعه اسلام و زبان عربی را تقویت کند تا مسیحیان با ابزار قدرتمندی‌تری به تقابل با مسلمانان بپردازند. در این میان بلندپروازانه‌ترین برنامه توسط رامول لول^۲ طراحی شد (McCarthy, 2010: 5). او با اعتقاد به تغییر داوطلبانه دین، تلاش‌های تبلیغی که به جای اثبات مسیحیت بر رد اسلام متمرکز بود را مردود می‌دانست (Moran, 1999: 70).

لول با تمرکز بر مسیحیت، رؤیای اتحاد همه بشریت را در سر می‌پروراند. از نظر او این مهم با اتحاد مجدد کلیساهای رومی و ارتدکس و تغییر دین یهودیان، مسلمانان و سایر مشرکان محقق می‌شد. به همین دلیل، طرح توسعه آموزشگاه‌های زبان و تشویق به تدریس زبان‌های شرقی در دانشگاه‌ها را مطرح کرد. لول ضمن یادگیری زبان عربی به مطالعه الهیات اسلامی پرداخت و در هر دو حوزه به سطح قابل قبولی از تخصص دست یافت. گام بعدی او تلاش برای متقاعد کردن جیمز اول، پادشاه آراگون برای صدور مجوز تأسیس مدرسه زبان عربی در مایورکا بود. مدرسه مذکور در سال ۱۲۷۶م. تأسیس شد، اما اطلاع چندانی از عملکرد مدرسه وجود ندارد و پس از سال ۱۲۹۳م. دیگر خبری از آن در دست نیست (McCarthy, 2010: 7-8).

تجربه حاصل از تلاش برای یادگیری زبان عربی، لول را به این نتیجه رساند که تبلیغ مسیحیت به زبان عربی، نیازمند حمایت نهادی، متمرکز و دائمی است (Wacks, 2019: 99). همین تجربه به تأثیرگذارترین اقدام لول در زمینه آموزش زبان‌های شرقی از جمله عربی منجر شد. این اقدام، اقناع

1. Roger Bacon
2. Ramon Llull

شورای کلیسایی وین برای تأسیس کرسی‌های دانشگاهی آموزش زبان‌های شرقی بود. این شورا به ریاست پاپ کلمنت پنجم^۱ در فاصله زمانی ۱۳۱۱-۱۳۱۲ م. در وین برگزار شد. درخواست لول از شورا تأسیس نهادی بود که در آن مردانی گردهم آیند و زبان‌های گوناگون و نحوه تبلیغ و موعظه آموزه-های انجیل را بیاموزند (Vega, 2003: 243).

در نتیجه همین مساعی، در سال ۱۳۱۲ م.، شورای کلیسایی وین موضوع آموزش زبان‌های شرقی را در دستور کارش قرار داد و آموزش آن‌ها در دانشگاه‌های اوینیون^۲، پاریس، آکسفورد، بولونیا^۳ و سالامانکا^۴ را به تصویب رساند (Lockman, 2010: 39; McCarthy, 2010: 11).

مصوبه شورای وین در حوزه عمل توفیق چندانی پیدا نکرد. حتی تأکیدات شورای بازل در ۱۴۳۴ هم نتوانست این مصوبه را به مرحله اجرا برساند (Dannenfeldt, 1955: 99). توضیح اینکه، تدریس زبان عربی در پاریس تا سده شانزدهم مسکوت ماند تا اینکه یک کرسی به نام کرسی زبان^۵ برای عبری، سریانی و عربی ایجاد شد. دانفلد^۶ راه‌اندازی ساختاری دانشگاهی برای آموزش زبان عربی در سالامانکا را مشکوک می‌داند. ظاهراً هیچ کاری در بولونیا و اوینیون یا بعداً در رم برای اجرای این فرمان انجام نشد. در انگلستان تنها تحولی که این فرمان بوجود آورد، اخذ مالیات کلیسایی بود و حتی مدرک متقنی مبنی بر تأسیس کرسی‌های یونانی و عبری در آکسفورد در این زمان وجود ندارد. (Dannenfeldt, 1955: 99. Toomer, 2017: 10).

ناردی علت این وقفه را عدم همراهی مقامات سکولار می‌داند. او معتقد است در فاصله زمانی میان فرمان شورای وین در ۱۳۱۲ میلادی تا تأسیس کرسی زبان عربی دانشگاه کمبریج در ۱۶۳۲ میلادی باید به این نکته توجه داشت که امتیازاتی که پاپ‌های سده سیزدهم اعطا می‌کردند، هرگز عملی نمی‌شدند مگر به خاطر همکاری مداوم مقامات سکولار سلطنتی یا محلی. البته موضوع همکاری نهاد سلطنت با تصمیمات پاپ به تأسیس کرسی زبان عربی در دانشگاه‌های اروپایی منحصر نبود و در

1. Clement V

2. Avignon

3. Bologna

4. Salamanca

5. catedra de lenguas

6. Karl H. Dannenfeldt

موقعیت‌ها و تصمیمات مربوط به امور دانشگاهی دیگری نیز شاهد هستیم که تدابیر پاپ در گرو همراهی نهاد سلطنت مانده بودند (Nardi, 1991).

چرایی مطالعه زبان عربی

مطالعه زبان عربی در انگلستان سده هفدهم متأثر از محرک‌های موجود در آن دوران بود. نباید فراموش کرد که دانشگاه‌های انگلیسی از جمله کمبریج تا پیش از اصلاحات اوایل سده نوزدهم وجهه قرون وسطایی خود را حفظ کرده و با کلیسا ارتباط مستقیم داشتند (اندرسون، ۱۴۰۱: ۳۵۰ و ۳۵۲). مطالعه زبان عربی در قرون وسطی با دو انگیزه دنبال می‌شد: در قدم اول، یادگیری آن را باید به حساب انگیزه‌های تبلیغی و احتجاجات مربوط به کلام مسیحی گذاشت (Toomer, 2017: 7). علاوه بر این، استفاده از زبان عربی برای توسعه الهیات کلیسایی از جنبه دیگری در این دوره مؤثر افتاد و آن نقشی بود که این زبان در فهم کتاب مقدس داشت (Rodinson, 1987: 42). از همین رو، بسیاری از پیشگامان شرق‌شناسی بریتانیایی از پس‌زمینه‌ای مذهبی برخاستند. بنابراین ارزش زبان عربی در درک متن کتب مقدس و مطالعه زبان عبری توسط ویلیام بدول^۱ (۱۶۱۲)، پاسور (۱۶۲۶)، پوکوک (۱۶۶۱)، کاستل (۱۶۶۷) و هاید (۱۶۹۲) مورد تأکید قرار گرفت (Majid, 2016: 71). همچنین مراجعه به مکاتبات توماس آدامز، حامی تأسیس کرسی زبان عربی کمبریج و اولیای دانشگاه نشان می‌دهد، انگیزه اصلی او در حمایت از تأسیس کرسی زبان عربی بیش از هر چیز دیگری، مذهب بوده است (Holt, 1973: 42).

در این دوره، شاهد تمایل اروپای غربی به برقراری ارتباط با کلیساهای شرقی اعم از ارتدوکس، نسطوری، ملکیت، مارونی، یعقوبی و مونوفیزیت قبطی نیز هستیم که به زبان‌های یونانی، سریانی، عربی، ترکی و قبطی صحبت می‌کردند. برای کاتولیک‌ها و هم پروتستان‌ها ارتباط با کلیساهای بسیار اهمیت داشت (Toomer, 2017: 15).

دومین انگیزه مطالعه زبان عربی پیوند آن با علوم موجود در حوزه تمدنی مسلمانان بود. پیش از سده دوازدهم، زبان عربی محمل میراث دانشی دوران کلاسیک محسوب می‌شد که با داشته‌های ایرانی،

1 . William Bedwell

چینی و هندی غنی شده بود. افزون بر این، مسلمانان تمدنی بزرگ با شهرهای بزرگ، امارت‌های ثروتمند و شبکه‌ای از ارتباطات ایجاد کرده بودند. در نتیجه، این زبان به‌عنوان کلید گنج‌خانه دانش در نظر گرفته می‌شد که محققین قرون وسطی مشتاقانه در پی کسب آن بودند (Russell, 1994: 2).

در رنسانس شاهد تحول در انگیزه علمی مطالعه زبان عربی نیز هستیم. رویکرد دانشوران این دوره به متون و تاریخ با فضای حاکم بر قرون وسطی متفاوت بود. از طرفی، متن بسیاری از آثار یونانی که ترجمه عربی آن‌ها به اروپا رسیده بود، بازیابی شده و به لطف اختراع ماشین چاپ منتشر شدند. از طرف دیگر، روش‌های پیچیده‌تر دانش پژوهی که در رنسانس، به‌ویژه در حوزه نقد متن توسعه یافت، به تقاضا برای نسخه‌های شرقی کتاب مقدس منجر گشت. این رغبت در سده هفدهم انگیزه اصلی جستجو و انتشار مخطوطات شرقی شد. همچنین در علوم نظیر پزشکی، نویسندگان مسلمان مانند ابن سینا هنوز از شهرت بالایی برخوردار بودند و غربی‌ها ترجیح می‌دادند به‌جای ترجمه‌های پراشتباه لاتین، به متون اصلی عربی مراجعه کنند. در زمینه نجوم نیز کوپرنیک و کپلر علاقه‌ای دوباره به بازیابی مشاهدات عرب‌ها ایجاد کردند (Toomer, 2017: 15-16). همچنین، در کنار کم‌رنگ شدن انگیزه‌های دینی برای برپایی جنگ‌های مذهبی، توجه به علوم مختلف در شرق، اومانیسیم و جهان-وطن‌گرایی رنسانس، جستجو برای مرزهای جدید علم، اکتشافات بزرگ و این درک که اروپا مرکز جهان نیست، زمینه توجه متفاوت به زبان عربی در اروپا از جمله انگلیس مهیا کرد (Bosworth, 1997: 49).

در کنار این‌ها، دو عامل جدید در گسترش مطالعه زبان عربی در اروپا در طول سده‌های شانزدهم و هفدهم مؤثر بودند. عامل نخست، پیشروی امپراتوری عثمانی بود که در این دوره نیز تلاش داشت تا مرزهای خود را در جانب غربی گسترش دهد. عامل دوم، تجارت بود که به‌رغم روابط سیاسی پرفراز و نشیب دو طرف اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده بود. برخلاف گذشته که تجارت در قلمرو عثمانی بیشتر در دست ونیزیان و جنوایی‌ها بود، منافع اقتصادی کشورهای شمال اروپا نیز با حساسیت بیشتری به این روابط پیوند خورد. در کنار بازرگانان کشورهای فرانسه و هلند، تجار بریتانیا نیز بنابر معاهدات میان عثمانی و دولت‌های متبوعشان اجازه یافتند در قلمرو این دولت اقامت گزیده و کسب‌وکار خود را دنبال کنند.

تأثیر گسترش تجارت بر یادگیری زبان عربی از دو جهت قابل بررسی است. تجارت انگلیس با امپراتوری عثمانی نقش مهمی در توسعه مطالعات عربی داشت. کمپانی لوانت در سال ۱۵۸۱ تأسیس شد و سرانجام دو سال بعد از سلطان مراد سوم (حک: ۱۵۷۴-۱۵۹۵ م) امتیاز کاپیتولاسیون گرفت. کمپانی‌های انگلیسی در مراکز تجاری مختلف، به ویژه در حلب راه‌اندازی شد. سفیر انگلیس در استانبول اقامت گزید و بدین ترتیب فرصتی برای ارتباط مسالمت‌آمیز با مسلمانان و عرب‌زبانان بدست آمد (Vlami, 2015: 13). فعالیت‌های تجاری به پناه امنی برای اروپایی‌هایی تبدیل شد که در جستجوی نسخه‌های خطی بودند. بازرگانان انگلیسی واسطه‌ای برای بدست آوردن مخطوطات بودند. توماس دیویس، یکی از کارگزاران آشر برای تهیه مخطوطات عربی در حلب فعالیت داشت. البته فرایند تهیه مخطوطات، با موانعی نیز روبرو بود. چنانکه، دیویس در نامه‌ای به آشر بیان می‌دارد علاوه بر ملال‌آور بودن سفر در سرزمین‌های عربی، تأثیرگذاری بر تجارت با این ماهیت به زمان نیاز داشت. لود هنگامی که به وزارت چارلز اول رسید، توانست این روش را بهبود بخشد. او در ۱۶۳۴ م. نامه‌ای به کمپانی شام فرستاد با این مضمون که هر کشتی تجاری در بازگشت یک نسخه خطی با خود همراه بیاورد (Holt, 1973: 43).

کمپانی شام زمینه مهم‌تری را برای مطالعات عربی برای انگلیسی‌ها فراهم کرد. این کمپانی از ۱۶۳۰ م. سیاست استقرار وابستگی کلیسا را در کارخانه‌هایش در سرزمین‌های اسلامی پیش گرفت. حضور در سرزمین‌های عربی برای اعضای کلیسا فرصتی برای یادگیری زبان عربی محسوب می‌شد که برای بسیاری از غربی‌ها مهیا نبود. با استفاده از این فرصت ادوارد پوکاک^۱، بزرگ‌ترین عرب‌شناس انگلیسی عصر توانست در حلب مستقر شده و دانش عربی خود را نزد فردی با نام فتح‌الله بهبود بخشد (Bosworth, 1997: 50). به‌طور کلی، در پایان سده شانزدهم و آغاز سده هفدهم زبان عربی با فضای مذهبی، علمی، سیاسی و اقتصادی انگلیس مرتبط شد (Rodinson, 1987: 41). این نکته در بیانیه اولیای دانشگاه کمبریج به هنگام تأسیس کرسی زبان عربی نمایان است:

اثری که ما متصور هستیم، نه تنها از طریق آشکار ساختن دانش زیادی که هنوز در آن [زبان] نهفته است به پیشرفت ادبیات خوب منجر خواهد شد، بلکه خدمات خوب پادشاه و دولت

1. Edward Pococke

در تجارت ما با کشورهای شرقی نیز می‌انجامد و به خواست خدا [کمکی خواهد بود] برای گسترش مرزهای کلیسا و تبلیغ دین مسیحیت برای آن‌ها که اکنون در ظلمت نشسته‌اند) (Toomer, 2017: 87).

پیشگامان مطالعه زبان عربی در انگلستان

اولین بار در انگلیس طنین پیشروی عرب‌ها از طریق کتاب تاریخ کلیسایی ملت انگلیس^۱ نوشته سنت بید، راهب نورتامبریایی در صومعه سنت پیتر در مونورماوس به گوش رسید (Bosworth, 1997: 45). با این حال، یادگیری زبان عربی در انگلیس دیرتر از سایر مناطق اروپا مطرح شد. از همین رو، در این کشور مشارکت چندانی در این زمینه در قرون وسطی شکل نگرفت و فعالیت‌های اتباعش در زمینه زبان عربی تحت الشعاع مراکزی نظیر اسپانیا و سیسیل قرار داشت (Metlitzki, 1977: 6-12). درباره شخصیت‌های برجسته انگلیسی که در سده دوازدهم از منابع عربی استفاده می‌کردند، باید توجه داشت افرادی مانند آدلارد از باث^۲ و رابرت کتون^۳، ملیت انگلیسی آن‌ها ارتباطی با کارشان ندارد. فعالیت آدلارد و کتون نه در انگلستان انجام شد و نه برای اهداف ملی این کشور بود (Russell, 1994: 20). این افراد در جستجوی رساله‌های علمی به اسپانیا رفتند و به مشارکت فعال در ترجمه آثار عربی پرداختند. به تعبیر دوروتی متلیتزکی، این افراد به مدارس اسپانیایی وابسته شدند و از این طریق به یادگیری عربی و تخصص در آن پرداختند (Metlitzki, 1977: 29-30).

اگرچه تا پایان سده شانزدهم مطالعه دانشگاهی زبان یونانی در انگلیس تثبیت و به زبان عبری نیز توجه می‌شد، مطالعه عربی نامنظم بود و تمهیدی برای تدریس دانشگاهی عربی وجود نداشت. یادگیری این زبان با مشکلاتی نظیر کمبود متون مربوط به دستور زبان و فرهنگ لغت عربی روبرو بود. علاوه بر کمیابی کتاب‌های چاپی عربی، به جز نسخه‌های سرگردان قرآن، دسترسی به مخطوطات عملاً غیرممکن می‌نمود. فرد عرب‌زبانی هم برای آموزش زبان وجود نداشت (Toomer, 2017: 53).

-
1. Historia Ecclesiastica Gentis Anglorum
 2. Adelard of Bath
 3. Robert of Ketton

اولین بار در ۱۵۲۴م. از طریق سخنرانی رابرت ویکفیلد^۱ در دانشگاه کمبریج با عنوان «درباره ستایش و سودمندی سه زبان»^۲ زبان عربی در فضای دانشگاهی انگلستان مطرح شد. در این سخنرانی به اهمیت زبان عربی در مطالعه کتب مقدس مسیحی توجه داده شد (Matar, 1998: 84)، اما مورد توجه چندانی قرار نگرفت (Toomer, 2017: 54). در سال ۱۵۵۵، ریچارد آرژانتین^۳ طی یک سخنرانی در آکسفورد و کمبریج، بر مزایای یادگیری زبان عربی برای علاقه‌مندان به پزشکی تأکید کرد. این سخنرانی نیز نادیده گرفته شد (Dannenfeldt, 1955: 116).

پس از قرون وسطی، ویلیام بدول^۴ اولین فردی بود که به مطالعه جدی عربی در انگلستان پرداخت. اگرچه بدول به‌طور مستقیم درباره انگیزه‌اش از مطالعات عربی سخن نگفت، اما مقدمه‌اش بر نسخه عربی رسائل یوحنا، نشانه‌هایی برای تعلیل این تمایل در اختیار ما قرار می‌دهد. به عقیده او، عربی تنها زبان یک دین نیست، بلکه زبان دیپلماسی و تجارت از جزایر خرم^۵ تا دریاهای چین نیز محسوب می‌شود و به‌عنوان ابزار کمکی در مطالعه متون مقدس کارایی دارد (Murphy & Barrett, 1985: 166).

مطالعات بدول عموماً انفرادی بود و گاهی اوقات شاگردانی برای دوره‌های کوتاه‌مدت داشت. او نیز به دلیل فقدان متون با مشکل مواجه شد. بدول در حوزه مطالعات زبان عربی دستاورد چندانی نداشت، اما تأثیر فعالیت‌هایش بر مطالعات عربی در انگلستان غیرقابل انکار است. قبل از اینکه مطالعه این زبان در دانشگاه‌ها جایگاهی داشته باشد، خانه بدول مکانی برای علاقه‌مندان به آموزش زبان عربی بود (Toomer, 2017: 56-63). نتیجه مطالعات وی، فرهنگ لغتی عربی است که هرگز چاپ نشد. مهمتر از این فرهنگ لغت، ماندگارترین نتیجه فعالیت‌های او تربیت نسلی در انگلیس بود که آغازگر یادگیری منسجم عربی در دانشگاه‌های این کشور شدند. آبراهام ویلاک از کمبریج و ادوارد پوکاک، دانش‌آموخته دانشگاه آکسفورد زیر نظر او زبان عربی خواندند (Holt, 1973: 39).

-
1. Robert Wakefield
 2. De Laudibus et Utilitate Triū Linguarum
 3. Richard Argentine
 4. William Bedwell
 5. Fortunate Isles

ویلیام بدول اسامی علاقه‌مندان به زبان عربی معاصر خود را فهرست می‌کند: جان مونتفورت،^۱ جان آیلمر،^۲ ریچارد هوکر،^۳ جورج درایوود،^۴ ادوارد لایولی،^۵ ویلیام سورن،^۶ فرانسیس برلی،^۷ لسنلوت براون^۸ و لسنلوت اندروز.^۹ نکته قابل توجه، وابستگی اکثر افراد فهرست پیش‌گفته به دانشگاه کمبریج است. در کنار تعصب بدول که خود نیز در این دانشگاه فعالیت داشته است، چنین بسامدی را باید به حساب علاقه بیشتر به زبان عربی در کمبریج گذاشت (Toomer, 2017: 54-55). همچنین، پیشگامان اولیه، منحصرأ در زبان عربی تخصص نداشتند. بدول دارای طیف وسیعی از علایق مانند ریشه‌شناسی، ریاضیات، گاه‌شماری، زبان‌های سامی و الهیات بود (Majid, 2016: 78).

جان سلدن^{۱۰}، سیاستمدار و حقوق‌دان انگلیسی اگرچه تسلط بالایی بر زبان عرب نداشت، اما در نقش یک محقق انتشار یک متن تاریخی همراه با ترجمه آن را در کارنامه دارد. او در مقام حامی مطالعات عربی نیز مجموعه بزرگی از مخطوطات را جمع‌آوری کرد و در اختیار علاقه‌مندان قرار داد (Toomer, 2017: 66-67).

جان بینبریج^{۱۱} به رغم تحصیل در پزشکی، به هندسه رو آورد و اولین استاد کرسی هندسه ساویلین در دانشگاه آکسفورد شد. او مخطوطات ارزشمندی درباره هندسه در قرون وسطی یافت و از همین رو بر یادگیری زبان عربی همت گماشت. اگرچه، مطالعات تخصصی او در حوزه نجوم دستاورد چندانی نداشت، زمینه توجه بیشتری را به متون عربی مربوط به هندسه فراهم کرد (Bienvenu & Feingold, 2013: 66; Toomer, 2017: 72-75).

-
1. John Montfort
 2. John Aylmer
 3. Richard Hooker
 4. George Drywood
 5. Edward Lively
 6. William Thorne
 7. Francis Burley
 8. Lancelot Browne
 9. Lancelot Andrewes
 - 10 John Selden
 - 11 John Bainbridge

جان ویکرز^۱ با سفر به ایتالیا و فرانسه و مطالعه مخطوطات موجود در کتابخانه‌هایشان بر مطالعات زبان عربی در انگلستان تأثیر گذاشت. نتیجه این تور علمی تفسیر چند زبانه از مزامیر^۲ بود. این کتاب نسخه‌های مزامیر به ده زبان عبری، عربی، سریانی، ربانی، کلدانی، یونانی، لاتین، ایتالیایی، اسپانیایی و فرانسوی را فراهم آورده بود (Toomer, 2017: 75-76).

جایگاه جیمز آشر به‌عنوان شخصیتی مهم در مطالعه عربی برآمده از تخصص وی نیست. فعالیت علمی او عمدتاً به حوزه گاهشماری، آثار باستانی و متن کتاب مقدس مربوط می‌شد. گردآوری مخطوطات عربی و حمایت از فعالان این عرصه، او را با یادگیری زبان عربی پیوند می‌داد. توماس دیویس، بازرگان انگلیسی که از ۱۶۲۴ تا ۱۶۲۸ م. در حلب به سر می‌برد، کارگزار او برای بدست آوردن مخطوطات از سوریه و بین‌النهرین بود. آنچه آشر را با دیگران متمایز می‌کند، سخاوتش بود. او مخطوطات خود را در اختیار دانشمندان محض در حوزه زبان‌های شرقی و عربی قرار می‌داد (Toomer, 2017: 78-82).

کرسی زبان عربی دانشگاه کمبریج

با اینکه آکسفورد یکی از دانشگاه‌های منتخب شورای وین در سال ۱۳۱۲ برای تشکیل کرسی زبان عربی به‌عنوان یکی از زبان‌های شرقی بود، اما چنین اتفاقی در آن رخ نداد و نخستین کرسی زبان عربی در سال ۱۶۳۲ م. در دانشگاه کمبریج تأسیس شد.

تأسیس کرسی زبان عربی

در سده شانزدهم میلادی، کمبریج پربرترین نهاد علمی برای زبان عربی در انگلستان بود. بدول که بعدها و در محیطی خارج از دانشگاه یادگیری عربی را پی‌گرفت، دانش‌آموخته کمبریج بود. در کنار بدول افراد دیگری در کمبریج حضور داشتند که برغم عدم تمایل برای مطالعه این زبان به‌عنوان تخصص اصلی، عربی را به‌عنوان ابزاری برای مطالعات خود مورد توجه قرار دادند. ویلیام ارز^۳ از کالج امانوئل^۴ سعی داشت زبان عربی را به‌عنوان ابزار کمکی مطالعه کتاب مقدس بیاموزد)

1. John Viccars

2. Decapla in Psalmos: sive Commentarius ex decem Linguis.

3. William Eyres.

4. Emmanuel College

Feingold, 2017: 33-34). برایان والتون^۱ که در کار تهیه کتاب مقدس چند زبانه مشارکت داشت، به یادگیری زبان عربی علاقه نشان داد (Toomer, 2017: 86). بااین حال، آبراهام ویلاک بیشترین نقش را در رونق زبان عربی در دانشگاه کمبریج بر عهده داشت. این نقش آفرینی از رهگذر اداره کتابخانه دانشگاه و تأسیس "کرسی زبان عربی سر توماس آدامز" محقق شد. زمان و چگونگی علاقه مندی ویلاک به زبان عربی مشخص نیست و تاریخ گذاری آن مشکل می نماید. بااین حال، از نامه جان فورث،^۲ کارگزار ویچرچ^۳ چنین برمی آید که او پیش از ۱۶۲۴م. به این زبان مسلط بوده است. جان فورث در این نامه به ویلاک بابت پیشرفتش در زبان عربی تبریک گفته بود (Toomer, 2017: 86).

ویلاک، متولد ۱۵۹۳ در شروپشر^۴ کارشناسی ارشد را از کالج ترینیتی^۵ دریافت کرد و از سال ۱۶۱۹م. به عضویت کالج کلر^۶ درآمد. در ادامه، او در سال ۱۶۲۹م. به عنوان کتابدار دانشگاه منصوب شد. این مسئولیت اولین پله برای خدمت او به آموزش عربی محسوب می شود. در همین دوره، ویلاک از طریق افراد بانفوذ، زمینه خرید مجموعه توماس ارپنیوس^۷، مستشرق نامدار هلندی را برای کتابخانه دانشگاه فراهم کرد. قبل از این، ویلاک بدول را متقاعد کرده بود تا نسخه خطی قرآنش را به دانشگاه اهدا کند. بنابراین در دوره مسئولیت او بر غنای منابع عربی کمبریج به میزان قابل توجهی افزوده شد (Murphy & Barrett, 1985: 171; Oates, 1986: 173-267).

مهمترین خدمت ویلاک به مطالعه عربی، مشارکت در تأسیس کرسی زبان عربی در دانشگاه کمبریج بود. او در اواخر سال ۱۶۳۰م. یا اوایل سال ۱۶۳۱م. پیشنهاد تأسیس یک کرسی دانشگاهی زبان عربی را به توماس آدامز، یکی از اعضای برجسته شرکت درپرز در لندن ارائه کرد. آدامز در قدم اول، در مورد صلاحیت ویلاک برای این پست تحقیق کرد. او برای این کار نظر ریچارد هولدزورث، استاد الهیات کمبریج و همسر بدول فقید را جویا شد (Murphy & Barrett, 1985: 167). پس از این

1. Brian Walton

2. John Foorth

3. Whitchurch

4. Shropshire

5. Trinity College

6. [Clare College](#)

7. Thomas Erpenius

تحقیق و تأیید بود که آدامز در سوم فوریه ۱۶۳۱ م، ضمن استقبال از پیشنهاد ویلاک، از او خواست هزینه سخنرانی سالانه را اعلام کرده و گواهی رئیس و معاون آموزشی دانشگاه کمبریج مبنی بر کاربردی بودن این کرسی را اخذ نماید (Cooper, 1843, 3: 247). او تعهد کرد در صورت موافقت اولیای دانشگاه سالانه چهل پوند به این کرسی اختصاص دهد (Tanner, 1917: 81). سرانجام، در مارس ۱۶۳۲ م. ویلاک موفق به اجابت خواسته آدامز شده و موافقت مقامات دانشگاه را جلب کند (Holt, 1973: 52).

اعتقادات دینی و کمک به تبلیغ مسیحیت انگیزه‌ای برای پذیرش پیشنهاد ویلاک بود (Cooper, 1843, 3: 247; Russell, 1994: 61). در کنار زمینه پیش گفته، هم‌ولایتی بودنشان این همکاری را مستحکم‌تر کرد؛ آن‌ها اهل شروپ‌شر بودند (Lockman, 2010: 36; Murphy & Barrett, 1985: 167).

مقررات کرسی زبان عربی کمبریج

از همان ابتدا شرایطی برای انتخاب استاد کرسی در نظر گرفته شد. تخصص در زبان‌های شرقی به‌ویژه زبان عربی، شهرت، مهارت گفتگوی صادقانه، دارا بودن درجه علمی فوق‌لیسانس و عدم اشتغال به کرسی دیگر شرط استادی این کرسی بود. برای انتخاب استاد نیز هیئتی متشکل از معاون دانشگاه و رؤسای کالج‌ها در نظر گرفته شد که در صورت برابری آراء، نظر معاون تعیین‌کننده بود (Cooper, 1843, 3: 520; Tanner, 1917: 82). در ۲۳ مارس ۱۶۳۲ ویلاک به‌عنوان «استاد زبان عربی»^۱ منصوب گشته و مقرر شد تا در هر ترم دو بار در هفته سخنرانی کند (Toomer, 2017: 88).

تدریس در کمبریج همانند آکسفورد، به گونه رویارویی فردی و بحث بر اساس کار شخص دانشجو بود و در آن به رشد منش فرد^۲ توجه می‌شد. در این روش بر وحدت تدریس و پژوهش تأکید نمی‌شد. استادان و اعضای کالج‌ها از سخنرانی و خطابه برای انتقال دادن یافته‌های تبیی و علمی خود بهره می‌گرفتند (اندرسون، ۱۴۰۱: ۳۵۹). اگر وحدت شیوه تدریس در دانشگاه‌های انگلیسی را ملاک قرار

1. Professor Linguae Arabicae
2. tutorial

دهیم؛ بر اساس آنچه در آکسفورد اتفاق می‌افتاد، استاد زبان عربی پس از پایان سخنرانی، مدتی در مدرّس می‌ماند تا به سؤالات حاضران پاسخ داده و مشکلات احتمالی را برایشان حل نماید. علاوه بر این، استاد میزان ساعت معینی را در اتاقش پذیرای مراجعان بود. البته بنابر اساسنامه کرسی و ابلاغ دانشگاه، امکان تغییر در جزئیات و مقدار زمان اختصاص یافته توسط استاد به امور کرسی تدریسش وجود داشت (Holt, 1973: 15). از استادان دانشگاه انتظار می‌رفت به جای القاء اصول اولیه، آموزش پیشرفته به دانشجویان را وجه همت خود کنند. البته، در زبان عربی استاد مجبور بود وقت خود را صرف تمرین عناصر صرف و نحو و لغت کند (Feingold, 2017: 46).

ارزیابی عملکرد ویلاک در تصدی کرسی زبان عربی

ویلاک در دوره استادی کرسی زبان عربی چندین پرکار نبود. او ۱۶۴۰م. با هدف فراهم آوردن متنی برای مسیحیان شرقی، ردیه‌ای بر قرآن تهیه کرد و نمونه کار را برای ساموئل هارتلب^۱، تاجر انگلیسی فرستاد، زیرا امیدوار بود او از نفوذش در پارلمان برای بدست آوردن بودجه برای انتشار این اثر استفاده کند. این امید بیهوده بود و ویلاک از ادامه کار منصرف شد (Toomer, 2017: 89-90). تنها اثر منتشر شده ویلاک در این دوره، نسخه‌ای از انجیل به زبان فارسی بود که در ۱۶۵۳م. چاپ شد. جان آربری، یکی از استادان کرسی آدامز در سده بیستم علت قلت آثار منتشره‌ی سلفش را فقر او و عدم توانایی‌اش در تأمین مالی چاپ آثارش می‌داند (Murphy & Barrett, 1985: 169).

بنابر گزارش‌هایی در اواخر دهه ۱۶۴۰م. ویلاک از تدریس زبان عربی در کمبریج دل‌سرد شده بود. بنابر گزارش ادmond کالامی^۲، هنگامی که آیزاک بارو^۳، یکی از دانشجویان ترینیتی برای گفتگو درباره یادگیری عربی نزد ویلاک رفته بود، برخلاف تصور مراجعه‌کننده، ویلاک با استناد به محدودیت منابع و مزایای اندک این کار، بارو را از ادامه پژوهش منصرف کرده بود (Toomer, 2017: 91). چنانکه بنت معتقد است ویلاک شخصیتی عجیب و غریب بود که گمان می‌کرد بخشی از وظیفه‌اش این است که دانشجویان را از مطالعه عربی بازدارد (Bennett, 2010: 2).

-
1. Samuel Hartlib
 2. Edmund Calamy
 3. Isaac Barrow

آنچه اعتبار کرسی زبان عربی کمبریج را در این دوره زیر ابر نامیدی می‌برد، انتشار بسیار کم آثار عربی بود. در آن مقطع امکان انتشار عربی در دانشگاه کمبریج فراهم نبود و همین سبب می‌شد تا آثار عربی از نعمت اختراع چاپ همچنان بی‌بهره باشند (Murphy & Barrett, 1985: 169). همین امر سبب شد ویلاک به وظیفه دیگرش یعنی کرسی آنگلو ساکسون توجه کند. آدامز به هنگام پرداخت یکی از اقساط مبلغ تعهد شده‌اش، با ناامیدی به استادی کرسی زبان عربی می‌نویسد: «می‌شنوم که شما با زبان ساکسون صحبت می‌کنید، اما من هیچ کلمه‌ای از سخنرانی عربی نمی‌شنوم، [حال آنکه] انتظار داشتم [وضعیت] مانند ابتدا [ای کار] پیش می‌رفت». ویلاک در پاسخ به آدامز اعتراف می‌کند که در هفت سال گذشته بیشتر انرژی خود را صرف پروژه آنگلو ساکسون کرده است، زیرا برای چاپ آثار عربی‌اش با مشکل مواجه بود. عامل دیگری که ویلاک را از تمحض در کرسی زبان عربی باز می‌داشت، عایدی مالی این سمت بود. بنابر گزارش‌ها، اگرچه، ویلاک پس از آموختن زبان انگلیسی قدیم، تدریس زبان عربی را متوقف نکرد؛ با این حال، ملاحظه مالی سبب جلب توجهش به سمت تدریس پردرآمد آنگلو ساکسون شد (Murphy & Barrett, 1985: 170-171).

با این‌همه، کرسی زبان عربی و فعالیت‌های ویلاک، برخی دانشجویان را به خود جذب کرد. توماس اسمیت در سال ۱۶۴۳م. مدرک کارشناسی گرفت و در سال ۱۶۵۹م. به‌عنوان مدرس بلاغت و کتابدار دانشگاه منصوب شد. دیگر شاگرد ویلاک، ریچارد هانت^۱ بود. هانت چیزی در زمینه تخصصش منتشر نکرد، اما به‌عنوان یکی از متخصصان زبان عربی مورد احترام بود. مشهورترین شاگرد ویلاک توماس هاید بود که در سال ۱۶۵۲م. وارد کالج کوئینز شد و در تدوین کتاب مقدس چند زبانه همکاری کرد (Toomer, 2017: 180-181). او در ۱۶۵۷م. به آکسفورد مهاجرت کرد و در سال ۱۶۵۹م. استاد زبان عبری در کالج کوئینز شد، و در نهایت به کتابدار کتابخانه بودلیان منصوب شد (Toomer, 2017: 181).

دستاورد ویلاک را نباید در آثار، ارائه‌های دانشگاهی و تعداد دانشجویانش جستجو کرد. در واقع، دستاورد او راه‌اندازی کرسی مطالعه زبان عربی کمبریج بود که در نتیجه همت او، همراهی ارکان دانشگاه و سخاوت توماس آدامز نهادینه شد. کرسی‌ای که توانست از میان طوفان حوادث خارج از

1. Richard Hunt

دانشگاه و رکود علمی حاکم بر آن در طول تقریباً دو سده جان سالم به در ببرد و سرانجام در سده نوزدهم به شکوفایی برسد (Murphy & Barrett, 1985: 164).

جانشینان ویلاک

ویلاک شاگردان زیادی نداشت. همین تعداد محدود نیز چنان آموزش ندیدند که بتوانند صلاحیت جانیشینی استادشان را کسب نمایند. از همین رو، تا ۱۳ سال پس از مرگ ویلاک استادی بر این کرسی منصوب نشد. ادموند کاستل که قرار بود زبان عربی را در کمبریج احیا کند، شاگرد ویلاک نبود. او در سال ۱۶۲۸م. فوق‌لیسانس گرفت و اساساً در زبان‌های شرقی خودآموخته بود. او پیش از سال ۱۶۳۸م. دانشگاه را برای زندگی در کشورهای مختلف ترک کرده بود و تنها پس از منصوب شدن به‌عنوان استاد عربی در سال ۱۶۶۶م. به کمبریج بازگشت. فعالیت‌های او در دهه پنجاه سده هفدهم سبب احراز صلاحیتش برای حضور در این کرسی شد. کاستل در طول دهه ۱۶۵۰ در لندن بسیار فعال بود. ابتدا در تهیه کتاب مقدس چندزبانی مشارکت داشت و سپس برای تسهیل مطالعه کتاب مقدس به تدوین لغتنامه هفتگانه^۱ خود پرداخت (Russell, 1994: 70. Toomer, 2017: 182). این کتاب در

جهان اسلام با عنوان قاموس اللغات السامیه شناخته می‌شود (زرکلی، ۲۰۰۲، ج ۱: ۲۸۲).

کاستل تا سال ۱۶۸۶ میلادی به ایفای نقش استادی خود ادامه داد. وی به طور مرتب به ارائه سخنرانی‌های مقرر پرداخته، اما در جذب دانشجو به این کرسی چندان موفق نبود. شمار اندک دانشجویان و کم‌رمتی کرسی، کار را به‌جایی رساند که کاستل اطلاعیه‌ای صادر کرده و به شوخی اعلام نمود: «استاد عربی فردا به صحرا می‌رود» (Russell, 1994: 62). او پس از لغتنامه چیزی منتشر نکرد و بیشتر توانش را صرف نسخه‌های باقی‌مانده روی دستش نمود (Toomer, 2017: 271).

از سال ۱۶۸۵ تا ۱۷۰۲م. جان لوک جانشین کاستل شد. تنها چیزی که سبب احراز صلاحیت او برای حضور در کرسی استادی سر توماس آدامز شد، یک دوره اقامت هفت‌ساله در از میر بود که مهارت او را در زبان عربی در پی داشت (Holt, 1973: 40). با این حال، به‌عنوان استاد عربی، جز شعری به

1. Lexicon Heptaglotton

زبان ترکی عثمانی در مجموعه «Genethliacon» که در سال ۱۶۸۸م. در کمبریج به مناسبت تولد جیمز فرانسیس ادوارد استوارت، شاهزاده ولز^۱ منتشر شد، کار خاصی انجام نداد (Toomer, 2017: 271). پس از جان لوک، نوبت به چارلز رایت^۲ رسید که در فاصله ۱۷۰۲ تا ۱۷۱۰م. عهده دار کرسی زبان عربی شد. از فعالیت‌های رایت اطلاع خاصی در دست نیست (Tanner, 1917: 82).

آخرین استاد این دوره سایمون اوکلی^۳ (متوفای ۱۷۲۰) است. اوکلی دانشجوی باسابقه دانشگاه کمبریج بود که از رهگذر تخصص در زبان عبری به عربی علاقه‌مند شد. در دهه ابتدایی سده هجدهم، او یکی از معدود انگلیسی‌هایی بود که توانایی ترجمه از زبان عربی را داشت. با تکیه بر این توانمندی و ارائه ترجمه انگلیسی جدیدی از «حی بن یقظان» ابن طفیل موفق شد مزیت متمایزی برای خود دست و پا کند (Toomer, 2017: 306). همچنین، اوکلی اولین محقق بود که تاریخ صدر اسلام را به زبان انگلیسی نوشت. اولین کار او در این زمینه فتح شام، ایران و مصر به دست مسلمانان^۴ نام داشت و در ۱۷۰۸م. منتشر شد (Holt, 1998: 117). این تخصص نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی علمی او داشت. وی در سال ۱۷۱۱م. به استادی کرسی زبان عربی کمبریج منصوب شد (Bevilacqua, 2018: 139). اوکلی در ۱۷۱۸م. و به هنگام استادی کرسی زبان عربی، مطالعه خود درباره تاریخ اسلام از دوره ابوبکر تا عبدالملک بن مروان را به پایان رساند و این کار را در ترکیب با پژوهش پیشین خود، در یک کتاب دو جلدی با عنوان تاریخ مسلمانان منتشر کرد (Holt, 1998: 117).

اوکلی، ضمن ابراز صریح وابستگی‌های مذهبی خود، به روایتی هوشیارانه و تحلیل‌گرانه از تاریخ صدر اسلام دست می‌زند. یکی از ویژگی‌های برجسته اثر او، اجتناب از ورود به مباحث جدلی و کوشش برای ایجاد یک چارچوب فکری نوین در مطالعات غربی درباره تاریخ اسلام است. این رویکرد، زمینه‌ای فراهم آورد تا پژوهشگران غربی بتوانند با دیدگاهی تازه و به دور از پیش‌داوری‌های رایج، به بررسی تاریخ اولیه اسلام بپردازند؛ هدفی که اروپاییان تحصیل‌کرده سده هجدهم بخشی از حوزه

1. James Francis Edward Stuart.

2. Charles Wright

3. Simon Ockley

4. The conquest of Syria, Persia and Egypt by the Saracens

کاری خود می‌دانستند (Bevilacqua, 2018: 143). وجه دیگر ارزشمندی کار اوکلی از این واقعیت ناشی می‌شود که او نه تنها از متون تاریخی چاپی که قبلاً موجود بود استفاده کرد، بلکه از متون مخطوط منتشر نشده‌ای که در مجموعه بودلیان نگه‌داری می‌شد نیز بهره گرفت. فتوح الشام منسوب به واقدی، تاریخ طبری، العقد الفرید ابن عبد ربه، الکامل ابن اثیر، المختصر ابوالفداء و تاریخ خلفا سیوطی از جمله مخطوطاتی بودند که اوکلی از آن‌ها بهره گرفت (Bosworth, 1997: 54; Holt, 1973: 73). این عوامل سبب شد تا این کتاب در انگلیس مورد استقبال قرار گیرد، به طوری که در سال‌های مختلف تجدید چاپ شد (Bevilacqua, 2018: 139). به اعتبار همین تلاش‌ها بود که برغم انحطاط مطالعه زبان عربی در آکسفورد، دانشگاه کمبریج وضع بهتری داشت (Toomer, 2017: 306).

موانع پویایی کرسی زبان عربی در دانشگاه کمبریج

ادراک عمومی این است که از زمان تأسیس کرسی‌های زبان عربی در انگلستان از جمله دانشگاه کمبریج تا پایان این سده کار درخوری درباره این زبان انجام نشد. این بازه زمانی در بهترین حالت دوره رکود و در بدترین حالت دوره افول مطالعه زبان عربی معرفی می‌شود (Hamilton, 2022: 287; Mills, 2017: 109). از طرفی، این وضع را می‌توان از طریق بررسی فضای علمی حاکم بر انگلستان و از سوی دیگر با روشن ساختن وضعیت دانشگاه کمبریج توجیه کرد. انگیزه‌های اصلی یادگیری و مطالعه زبان عربی در قرن هفدهم، کاربردش در فهم کتاب مقدس، ضرورت یادگیری آن برای گسترش مسیحیت در سرزمین‌های مسلمان و کاربردش در آشکار ساختن حکمت محصور در متون علمی عربی بود. با گذشت زمان، از اعتبار توجیهی این سه امر کاسته شد. پس از انتشار کتاب مقدس چند زبانه در لندن، به نظر می‌رسید کاربرد زبان عربی برای فهم کتاب مقدس کمتر باشد. علاوه بر این، به مرور از علاقه الهیدانان انگلیسی به بحث‌های مربوط به متن کتاب مقدس کاسته شد و توجه‌ها به جنبه‌های معرفتی و عقلانی معطوف گشت. همچنین، عدم موفقیت تقریباً کامل مأموریت‌های تبلیغی در سرزمین‌های مسلمان تا حدودی به ناامیدی از کارایی شیوه‌های زبانی منجر شد. در کنار این‌ها، ظهور علوم تجربی و کاربست عمومی روش آن در کسب علم زمینه-

ساز کم‌توجهی به متون عربی و منسوخ شدن آن شد. نمونه این امر را درباره متون جغرافیایی برجای مانده از میراث علمی مسلمانان دید. پیشرفت‌های دریانوردی و نقشه‌برداری اروپاییان، آثار جغرافیایی را که به زبان عربی باقی مانده بود، تا حد زیادی منسوخ کرد (Holt, 1998: 93-100). ویژگی دیگری که بر این دوره سایه افکنده بود، تغییر نظام ارزشی انگلستان بود. جامعه انگلیس دیگر برای نفس تحقیق و یادگیری ارزش قائل نبود. این ویژگی قرن هفدهم سبب شد تا متخصصان زبان عربی از تغییر احترام عمومی به مطالعه زبان عربی پس از بازسازی ابراز تاسف کنند (Toomer, 2017: 309-311).

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، فراگیر نشدن مطالعه دانشگاهی زبان عربی بود. تا اوایل سده هجده تعداد معدودی ازدانش آموختگان دانشگاهی را می‌توان در میان متخصصان زبان عربی یافت که اهداف و مأموریت‌های عملیاتی در جهان اسلام را دنبال می‌کردند. افراد عموماً زبان عربی را از معلمان خصوصی، معمولاً مسیحیان مهاجر عرب‌زبان یاد می‌گرفتند. مهاجران عرب‌زبان در ازای دریافت هزینه یا در ازای مهمان نوازی، خدمات آموزشی ارائه می‌دادند. رابرت هانتز، فرماندار نیویورک، نیوجرسی، و جامائیکا در دهه سوم قرن هجدهم در طول اقامت خود در انگلستان، با کمک دو عرب، شروع به مطالعه زبان عربی کردند (Feingold, 2017: 56). گروهی از علاقه‌مندان نیز برای یادگیری این زبان به شرق می‌رفتند (Hamilton, 2022: 110).

همچنین، در این دوره برنامه دانشگاهی بلند مدتی برای مطالعه زبان عربی تدوین نشده بود (Hamilton, 2022: 109). چنانکه ویلاک در طول تصدی کرسی زبان عربی موفق به تربیت شاگردی برای جانشینی خود نشد و حتی با ملاحظه مشکلات موجود بر سر راه یادگیری زبان عربی افراد را از این کار منصرف می‌کرد (Toomer, 2017: 91). چنانکه، هیچ یک از دانشجویان این کرسی نتوانستند دستاورد خاصی به نام خود ثبت کنند (Mills, 2017: 287).

یکی از مشکلاتی که استادان و دانشجویان کمبریج با آن مواجه بودند، کمبود منابع عربی بود. البته این وضعیت مختص به این دوره نبود. پروتستان که در زمان سلطنت ادوارد ششم^۱ (متوفای ۱۵۵۳) آزادی عمل بیشتری از خود نشان می‌دادند، مدارک و متون کتابخانه را که مخالف تمایلات عقیدتی خود می-

1. Edward VI

دیدند از بین بردند. در نتیجه این اقدامات تا سال ۱۵۷۴ کتابخانه دانشگاه تنها ۱۸۰ جلد کتاب داشت (Wright & Wormald, 1958: 213). البته هر کالج کتابخانه مخصوص به خود را داشت و همین سبب شده بود تا حدودی به کتابخانه دانشگاه بی‌توجهی شود. گاهی اوقات نیز اهداکنندگان ترجیح می‌دادند مجموعه‌های خود را به کالج مورد علاقه‌شان بدهند. گاهی کتاب‌ها با مقررات سختگیرانه‌ای اهدا می‌شدند. یکی از این موارد، ممنوعیت امانت بردن نسخه‌های خطی بود، محدودیتی که باعث ناراحتی ویلاک شد (Murphy & Barrett, 1985: 171).

فقدان امکانات چاپ و انتشار به زبان عربی، مشکل دیگر استادان و دانشجویان برای مطالعه آثار عربی و به اشتراک گذاشتن نتیجه مطالعاتشان بود. ویلاک در پاسخ به گلایه آدامز بابت عدم نشر آثارش، فقدان حروف چینی عربی را عامل این وضعیت معرفی می‌کند (Lee, London: 1354). گرچه ویلیام بدول با صرف هزینه‌ای قابل توجه، امکانات چاپ عربی فرانسیسکو رافلنگیوس^۱ ناشر هلندی (متوفای ۱۵۹۷) که توسط بدول تهیه شده بود، هرگز استفاده نشد (Toomer, 2017: 271). تا اواخر سال ۱۶۸۸ م، هیچ چیزی به زبان عربی در کمبریج چاپ نشد، و آنچه از آن برای چاپ عربی استفاده شد متفاوت از اقلامی بود که توسط بدول به دانشگاه منتقل شده بود (Russell, 1994: 23).

نتایج تأسیس کرسی زبان عربی دانشگاه کمبریج

با وجود کاستی‌های متعدد در حوزه مطالعات و آموزش زبان عربی در کمبریج، دستاوردهای قابل توجهی در سده‌های هفده و هجده میلادی در این حوزه به ثبت رسیده است که از یاد بردن آن‌ها، نادیده انگاشتن بخشی مهم از تاریخ اندیشه و فرهنگ اسلامی-عربی به حساب می‌آید. اولین دستاورد این نوع از توجه به زبان عربی، تأسیس بنیادی ماندگار برای دانش زبان عربی بود. از رهگذر ابتکار ویلاک و سخاوت آدامز سیستمی برای آموزش زبان عربی در دانشگاه کمبریج ایجاد شد که توانست از فراز و نشیب سده‌های هفده و هجده جان سالم به در برد تا در زمان‌های بعدی و بهتر دوباره تداوم یابد (Toomer, 2017: 314). از قرن نوزدهم به این سو، تحول بزرگی در کرسی زبان عربی کمبریج

1. Franciscus Raphelengius

رخ داد. این تحول حضور زنجیره‌ای از استادان در این کرسی بود که در کنار دانش مکفی و قابل تحسین، به تربیت دانشجویان باسوادی همت گماشتند که نه تنها به پیشرفت مطالعات زبان عربی و شرق‌شناسی در غرب کمک کردند، بلکه به درجه‌ای از صلاحیت رسیدند که توانستند تصدی همین کرسی را عهده‌دار شوند. ادوارد براون،^۱ استاد زبان‌های فارسی، ترکی و عربی (متوفای ۱۹۲۶) در سال ۱۹۰۲ م. به‌عنوان استاد کرسی زبان عربی منصوب شد. (Bosworth, 1997: 62-63) او شاگردان بسیاری را تربیت کرد که بعدها به دانشمندان برجسته تبدیل شدند. یکی از آن‌ها رینولد نیکلسون،^۲ استاد همین کرسی در فاصله زمانی ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۳ م. بود (Majid, 2016: 143-160). علاوه‌براین، مطالعه دانشگاهی زبان عربی استقلال هویتی آن را در پی داشت. پیش از تأسیس کرسی زبان عربی، این زبان به‌عنوان زیر شاخه عبری مطالعه می‌شد و همین زمینه‌ساز اشتباهات فاحشی بود. برای نمونه، بدول با انگاره رابطه دختر و مادر میان عربی و عبری، فرهنگ لغت خود را به‌جای عربی به ترتیب الفبای عبری تنظیم کرد. او همچنین اظهارات ریشه‌شناسی متعددی را وارد کرد که کلمات عربی را نه تنها به عبری و سریانی، بلکه به یونانی، انگلیسی و زبان‌های دیگر مرتبط می‌کرد. به همین خاطر نواقص محتوای فرهنگ لغت بدول تشدید شده و این اثر به شکلی که بدول آن را به جا گذاشت، غیرقابل استفاده شد (Toomer, 2017: 63).

نتیجه‌گیری

یادگیری و مطالعه زبان عربی در انگلیس سده هفدهم مولود زمینه‌های موجود در این کشور بود. مطالعه زبان عربی در این کشور که در قرون وسطی ملهم از انگیزه‌های مذهبی، تبلیغی و علمی بود، با آغاز دوران مدرن بر پایه گسترش روابط سیاسی و تجاری این کشور با سرزمین‌های اسلامی و عربی توسعه یافت. رشد تجارت به همراه گسترش روابط سیاسی خود زمینه مناسبی برای توسعه زبان عربی در میان انگلیسی‌ها شد. در حالیکه تا پایان سده شانزدهم مطالعه زبان یونانی در دو دانشگاه آکسفورد و کمبریج تثبیت شده بود و زبان عبری نیز به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفت؛ وضعیت مطالعه زبان عربی متفاوت بود و تقریباً تا اواخر سده شانزدهم و اوایل سده هفدهم شکلی کاملاً نامنظم داشت و

1 . Edward Browne

2 . Reynold A. Nicholson

بیشتر در قالب علایق و اهتمام فردی افرادی نظیر ویلیام بدول و اقرانش گسترش پیدا کرد. در چنین وضعیتی کرسی زبان عربی دانشگاه کمبریج در سال ۱۶۳۲ م. با پیشنهاد آبراهام ویلاک، سخاوت توماس آدامز و موافقت اولیای دانشگاه تأسیس شد. با این همه نواقص موجود سبب شد این ابتکار عمل برای مطالعه آکادمیک زبان عربی در آغاز کارآمدی و پویایی چندانی در توسعه مطالعات این زبان نداشته باشد. این وضعیت با بررسی فضای علمی حاکم بر انگلستان و شرایط دانشگاه کمبریج توجیه می‌شود. دلیل اصلی مطالعه زبان عربی در سده هفدهم کارآمدی این زبان در فهم کتاب مقدس و گسترش مسیحیت و کاربردش در آشکار ساختن حکمت محصور در متون علمی عربی بود. با گذشت زمان، از اعتبار توجیهی این سه امر کاسته شد. علاوه بر این، جامعه انگلیس دیگر برای نفس تحقیق و یادگیری ارزش قائل نبود و مطالعه زبان عربی بدون در نظر گرفتن پیوستی کاربردی برای انگلستان آن روز امری بیهوده تلقی می‌شد. در کنار این عوامل، همه‌گیر نشدن و عدم رغبت دانشجویان به مطالعه دانشگاهی زبان عربی و تمحّض در آن نقش مهمی در این رکود علمی داشت. با تأمل در شرایط حاکم بر کرسی زبان عربی دانشگاه نیز آشکار می‌شود که در این دوره برنامه دانشگاهی بلند مدت برای مطالعه زبان عربی تدوین نشده بود و هیچ یک از دانشجویان این کرسی نتوانستند دستاورد خاصی به نام خود ثبت کنند. استادان و دانشجویان کمبریج با کمبود منابع عربی مواجه بودند و امکانات چاپ آثار به زبان عربی برایشان فراهم نبود. این مشکل سبب می‌شد امکان مطالعه گسترده آثار عربی برای استادان و دانشجویان این کرسی مهیا نشده و آن‌ها برای اشتراک سریع نظراتشان در قالب تولیدات علمی با دشواری مواجه باشند. باین وجود، تأسیس کرسی زبان عربی در دانشگاه کمبریج دستاوردهای قابل توجهی نیز داشت. اولین دستاورد، تأسیس بنیادی ماندگار برای دانش زبان عربی و تربیت دانشجویانی فاضل در دوره‌های بعدی بود. علاوه بر این، مطالعه دانشگاهی زبان عربی استقلال هویتی آن را در پی داشت. پیش از تأسیس کرسی زبان عربی، این زبان به‌عنوان زیر شاخه عبری مطالعه می‌شد و همین زمینه‌ساز اشتباهات فاحشی بود.

اندرسون، رابرت دیوید. (۱۴۰۱). دانشگاه‌های اروپایی از عصر روشنگری تا جنگ اول جهانی، ترجمه محمدرضا خواجه‌پور، تهران، کرگدن.

زرکلی، خیرالدین. (۲۰۰۲). الأعلام؛ قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، بیروت، دارالعلم للملایین.

Arberry, Arthur John. (1948). *The Cambridge School of Arabic*. Cambridge University Press.

Bennett, Clinton. (2010). *Studying Islam: The Critical Issues*. Bloomsbury.

Bevilacqua, Alexander. (2018). *The Republic of Arabic Letters; Islam and the European Enlightenment*, Harvard University Press.

Bienvenu, R. T.; & Feingold, M. (2013). *In the Presence of the Past: Essays in Honor of Frank Manuel, 1991* Kluwer Academic Publishers.

Bosworth, C. E. (1997). *The Study of Islam in British Scholarship*, In *Mapping Islamic Studies Genealogy, Continuity and Change* (pp. 45–67), Mouton de Gruyter.

Cooper, Charles Henry. (1843). *Annals of Cambridge*. Warwick and Company.

Dannenfeldt, Karl H. (1955). 'The Renaissance Humanists and the Knowledge of Arabic, *Studies in the Renaissance*, 2, 96–117.

Feingold, Mordechai. (2017). *Learning Arabic in Early Modern England*. In *The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe* (pp. 33–56), Brill.

Hamilton, Alastair. (2022). *Arabic Studies in Eighteenth-Century Oxford*. In *History of Universities; The Unloved Century: Georgian Oxford Reassessed* (Vol. XXXV, pp. 109–133), Oxford University Press.

Holt, Peter Malcolm. (1973). *Studies in the History of the Near East*, FRANK CASS.

Holt, Peter Malcolm. (1998). 'The Study of Islam in Seventeenth- and Eighteenth-Century England', *Journal of Early Modern History*, 2(2), 113–123.

Lee, Sidney. (London). *The Dictionary of National Biography*. Macmillan.

- Lockman, Zachary. (2010). *Contending Visions of the Middle East: The History and Politics of Orientalism*, Cambridge University Press.
- Majid, AbdulHameed Abed. (2016). *British Orientalism and Classical Arabic Literature: A Study in Reception, According to Jauss's Theory*, University of Leeds.
- Matar, Nabil I. (1998). *Islam in Britain, 1558-1685*, Cambridge University Press.
- McCarthy, Joseph M. (2010). *Ramon Llull and the Teaching of Foreign Languages in the Late Middle Ages*, Suffolk University.
- Metlitzki, Dorothee. (1977). *The Matter of Araby in Medieval England*, Yale University Press.
- Mills, Simon. (2017). 'Learning Arabic in the Overseas Factories: The Case of the English', In *The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe* (pp. 272-293). Brill.
- Moran, Jo Ann H. (1999). 'Popular Attitudes Toward Islam in Medieval Europe', In *Western Views of Islam in Medieval and Early Modern Europe: Perception of Other* (pp. 55-81), St. Martin's Press.
- Murphy, Michael; & Barrett, Edward. (1985). 'Abraham Wheelock, Arabist and Saxonist', *Biography*, 8(2), 163-185.
- Nardi, Paolo. (1991). 'Relations with Authority', In *A History of the University in Europe* (Vol. 1, pp. 77-107). Cambridge University Press.
- Oates, J. C. T. (1986). *Cambridge University Library: A History: From the Beginnings to the Copyright Act of Queen Anne*, Cambridge University Press.
- Power, Amanda. (2012). *Roger Bacon and the Defence of Christendom*. Cambridge University Press.
- Rodinson, Maxime. (1987). *Europe and the Mystique of Islam*, R. Veinus, tran., University of Washington Press.

- Russell, G.A. (1994). *The "Arabick" Interest of the Natural Philosophers in Seventeenth-Century England*, Brill.
- Said, Edward. (1979). *Orientalism*, Vintage Books.
- Tanner, J.R. (1917). *The Historical Register of the University of Cambridge, Being a Supplement to the Calendar with a Record of University Offices, Honours and Distinctions to the Year 1910*, Cambridge University Press.
- Toomer, G. J. (2017). *Eastern Wisdom and Learning: The Study of Arabic in Seventeenth-Century England*, Oxford University Press.
- Vega, Amador. (2003). *Ramon Llull and the Secret of Life*, Crossroad Pub.
- Vlami, Despina. (2015). *Trading with the Ottomans: The Levant Company in the Middle East*, I.B. Tauris.
- Wacks, David A. (2019). *Medieval Iberian Crusade Fiction and the Mediterranean World*, University of Toronto Press.
- Wright, Cyril Ernest; & Wormald, Francis. (1958). *The English Library Before 1700, Studies in Its History*, Athlone Press.